

نقش نژاد و مذهب قربانی جرم در تعیین مجازات در قوانین کیفری ایران و انگلستان

حجت سبزواری نژاد^۱

چکیده

قربانی جرم از جمله عناصر و کنشگران پدیده‌ی مجرمانه و یکی از عوامل مهم تعیین کیفر در نظام‌های کیفری است. ویژگی‌ها و خصوصیات قربانی جرم همواره در تعیین کیفر مورد توجه بوده و هست. به رغم تصریح قوانین و ادعای مجریان عدالت کیفری بر تساوی افراد در برابر قانون، امروزه مذهب و نژاد قربانی جرم، در قوانین کیفری و رویه‌ی مجریان عدالت کیفری عاملی اساسی در تعیین کیفر است. این خصوصیات گاه به عنوان عاملی مشدد و گاه به عنوان عاملی مخفف کیفر عمل می‌کنند. در این نوشتار تلاش شده است با مراجعه به قوانین کیفری و رویه‌ی قضایی ایران و انگلیس به تأثیر مذهب و نژاد قربانی جرم در تعیین کیفر پرداخته شود.

واژگان کلیدی: قربانی، نژاد، مذهب، تعیین کیفر، تخفیف مجازات، تشدید

مجازات

۱. دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، رییس شعبه‌ی دهم دیوان عدالت اداری

۱. درآمد

نگاه انتزاعی حقوق کیفری به اعمال مجرمانه، بدون توجه به عوامل آن، نگاهی سطحی و بدون لحاظ واقعیات خواهد بود. چنانچه حقوق دان، در بررسی اعمال مجرمانه تنها به نفس جرم و ارکان تشکیل دهنده‌ی آن، در قانون توجه کند و نسبت به اوضاع و احوال وقوع، علل و انگیزه‌های جرم بی توجه بوده و خود را فارغ از آن بداند، آن گاه اتهام انتزاعی بودن حقوق جزا وارد خواهد بود. حوزه‌ی کار و عملکرد حقوق جزا به خصوص در مرحله‌ی تعیین کیفر، پرداختن به علل و عوامل جرم امری است مربوط به حوزه‌ی جرم‌شناسی. اما واقع‌گرایی و اجرای عدالت که وظیفه‌ی اولیه و اساسی حقوق جزا است، اقتضای آن را دارد که در بررسی و تجزیه و تحلیل جرم و سپس تعیین مجازات نه به شکل افراطی آن، همچون مکتب تحقیقی، عوامل مستقیم و قریبه در ارتکاب جرم مورد توجه قرار گیرد؛ و گرنه برخی ایراداتی که بر چنین مکاتبی مترتب است، همچنان به قوت خود باقی بوده و شاید بتوان گفت، امروزه اتخاذ چنین امری گامی به عقب تلقی خواهد شد.

تعیین مجازات مرتکب در پرتو سهم قربانی جرم در تکوین پدیده‌ی مجرمانه و همچنین خصوصیات ویژه‌ی او در ارتکاب آن، از موضوعاتی است که همواره مورد توجه قانونگذاران بوده و هست؛ به گونه‌ای که این امر می‌تواند در تعیین مجازات‌های مناسب و خفیف یا شدید آن‌ها عاملی مهم محسوب شود. بر این اساس، نادیده گرفتن این عامل به معنای چشم پوشی از واقعیات موجود است. قوانین کیفری بسیاری از کشورها و از جمله ایران و انگلستان، از جهات متعدد و مختلف، سیاستی افتراقی برای حمایت یا عدم حمایت از قربانی جرم در پیش گرفته‌اند. در این دو نظام حقوقی، ویژگی‌هایی چون نژاد، مذهب، جنس، سن، موقعیت اجتماعی، شغلی، بیماری، ناتوانی جسمی یا روانی و به طور کلی آسیب‌پذیری بیشتر آنان نسبت به سایر قربانیان و همچنین نوع روابط میان مجرم و قربانی جرم، سهم وی در تکوین جرم و به طور کلی میزان تقصیر قربانی جرم در وقوع پدیده‌ی مجرمانه، از موجبات تخفیف یا تشدید مجازات تلقی می‌شوند.

ملاحظه‌ی قوانین کیفری بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان نشان می‌دهد که در جرایم علیه اشخاص حقیقی، نژاد و مذهب قربانی جرم، در تخفیف و تشدید

مجازات مؤثر بوده و گاه عامل اصلی تعیین کیفر می‌باشند؛ در این نوشتار با نگاه به رویه و قوانین کیفری دو نظام حقوقی ایران و انگلستان، نقش این دو خصیصه‌ی قربانی جرم به عنوان عاملی مخففه و مشدده در تعیین کیفر تبیین می‌شود.

۲. نژاد و تأثیر آن در تشدید، تخفیف یا عدم مجازات

صریح‌ترین مفهوم تساوی در برابر قانون، آن است که هیچ فردی به خاطر رنگ یا نژاد مجازات شدیدتری متحمل نشود. «نژادپرستی به عنوان یک تفکر که دلالت بر فرض وجود سلسله مراتب نژادی دارد، توجیهی برای محروم کردن گروهی یا افرادی از دستیابی به استفاده از منابع، مزایا و امکانات مساوی است. نژادپرستی ممکن است به طور آگاهانه یا ناآگاهانه در سطوح فردی یا گروهی و در سطح خرده‌فرهنگ‌ها به رسمیت شناخته شده و به تبعیض منجر شود و به شکل پیشداوری شخصی یا رسمی در مراحل دادرسی کیفری به اجرا درآید و وارد سیاست‌های کیفری گردد.» (Easton, and Piper, 2005, p.235)

به رغم آن‌که، در قوانین ایران و انگلستان به صراحت، تعیین مجازات بر اساس نژاد قربانی جرم یا مجرم منع شده است، همواره این احتمال وجود دارد که در عمل و رویه، به طور آگاهانه یا ناخودآگاه، تبعیض نژادی در تعیین مجازات مؤثر واقع شود.

۲-۱. نظام حقوقی انگلستان

نخستین تحقیق مهمی که در نظام عدالت کیفری انگلستان در خصوص تأثیر نژاد افراد در تشدید، تخفیف و یا عدم مجازات صورت گرفت، به سال ۱۹۸۲ میلادی باز می‌گردد؛ که حکایت از آن داشت که در جرایم مشابه در تعیین مجازات، میان مجرمان سیاه‌پوست و سفیدپوست، تفاوت معناداری دیده نشده است. (Ash-worth, 1992, pp.173-174).

با این وجود، مطالعات بعدی در سال ۲۰۰۰ میلادی نشان داد که دادگاه‌های جزایی این کشور، برای مجرمانی که از اتباع کشورهای آسیایی یا رنگین‌پوست بوده و جرایمی علیه سفیدپوستان مرتکب شده بودند، به نسبت مجرمان سفیدپوست، به مجازات شدیدتری حکم داده و برای آنان کمتر از مجرمان سفیدپوست، دستورات

مراقبتی (به عنوان یک مجازات خفیف) صادر نموده‌اند. همچنین بازداشت، ایست و بازرسی از سوی پلیس و نهاد دادستانی و ارسال پرونده‌ی این افراد به دادگاه، نسبت به سفیدپوستان بیشتر بوده است. افزون بر این، چنین افرادی کمتر مورد اغماض نهادهای رسمی عدالت کیفری واقع شده‌اند. این تحقیقات بیان‌گر آن است که بررسی موضوع تبعیض نژادی را باید در فرآیند دادرسی جستجو نمود. (Easton, and Piper, op.cit, p.236)

شاید بتوان گفت معروف‌ترین و جنجالی‌ترین پرونده در زمینه‌ی تأثیر نژاد قربانی جرم در تعیین مجازات در انگلستان، گزارش^۱ مربوط به پرونده‌ی قتل «استفن لورنس»^۲ جوان نوزده ساله‌ی سیاه‌پوست است که توسط پنج نفر سفیدپوست و با انگیزه‌ی نژادی در سال ۱۹۹۳ با ضربات چاقو به قتل رسید؛ به رغم دستگیری متهمان، دادگاه آنان را محکوم ننمود. با پیگیری خانواده‌ی مقتول و تحقیقات و ادله‌ی به دست آمده، اعلام گردید که به جهت سیاه‌پوست بودن قربانی جرم، پلیس و نهادهای عدالت کیفری اقدامات لازم را به عمل نیاورده و بر این اساس متهمان تبرئه شده‌اند (Phillips, and Brown, 2002, p....). در این گزارش آمده است که «بدین دلیل که پلیس به طور بنیادی و سازمانی، نژادپرست است و به جهت اینکه قربانی جرم سیاه‌پوست بوده، در کسب ادله‌ی جرم، دستگیری متهمان و ارائه‌ی کمک‌های اولیه در صحنه‌ی جرم قصور شده و موجبات تبرئه‌ی مرتکبان جرم فراهم آمده است.»

آمارها و مطالعات انجام گرفته در انگلستان در سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ میلادی، حکایت از آن دارد که شمار افراد سیاه‌پوست بازداشت شده نسبت به کل جمعیت آنان در این کشور، چهار برابر بیش از افراد سفیدپوست بوده است. به

۱. این تحقیقات در سال ۱۹۹۹ به ریاست «مکفرسون» برای بررسی قتل مقتول و تبرئه قاتلان شروع گردید. گزارشات «مکفرسون» از نهادهای مسؤول ارائه‌ی خدمت به افراد، نشان از آن دارد که در این نهادها اعمال تبعیض به در اجرای وظایف نسبت به قربانیان و مجرمان اقلیت‌های نژادی به نهادینه شده است. گزارش او از پلیس از جهات مزبور بسیار منتقدانه است.

See: Macpherson. W. The Stephen Lawrence inquiry, report of an inquiry by William Macpherson of Clury, advised by Tom Cook, the right reyd, Dr gohn Sentamn and Dr Richard Ston, Cm 4262-1, London, Home Office.
2. Stephen Lawrenc See: http://en.wikipedia.org/wiki/Murder_of_Stephen_Lawrence

نحوی که، از هر هزار نفر جمعیت سیاه‌پوست، یکصد و سیزده نفر بازداشت شده‌اند؛ این در حالی است که رقم مذکور برای سفیدپوستان بیست و شش نفر بوده است. بر اساس آمارهای رسمی سال ۲۰۰۱ میلادی در این کشور، برخورد نژادپرستانه‌ی پلیس تنها به قربانیان جرم محدود نبوده، بلکه نسبت به مجرمان محسوس‌تر بوده است. به گونه‌ای که، اقلیت‌های نژادی، بیست و یک درصد کل جمعیت زندانی مرد و بیست و شش درصد کل زندانیان زن را در زندان‌های انگلستان و ولز به خود اختصاص داده‌اند، سیاه‌پوستان نسبت به سفیدپوستان به مجازات‌های حبس طولانی‌تری محکوم شده‌اند؛ میزان ایست و بازرسی، تعقیب و تصمیمات مربوط به قرار تأمین اقلیت‌های نژادی نسبت به سایر متهمان بیشتر بوده است؛ به نحوی که سیاه‌پوستان هشت برابر سفید پوستان مورد ایست و بازرسی قرار گرفته‌اند؛ این امر، حاصل تصمیماتی است که در مراحل عدالت کیفری اتخاذ می‌شود. (Easton, and Piper, op.cit, p.236)

ملاحظه می‌شود که در پرونده‌ی «استفان لورنس» به عنوان فردی متعلق به نژادی خاص، و هم‌چنین در فرآیند کیفری از سوی نهادهای مسؤؤل، دیدگاه نژادپرستانه عاملی مؤثر در رسیدگی، تعقیب و مجازات است. در واقع، به جهت خصیصه‌ی مذکور، نظام عدالت کیفری این کشور وظیفه‌ی خود مبنی بر مجازات مرتکبان و مجرمان را به خوبی به سامان نرسانیده است؛ چه آن‌که، آمارهای رسمی این کشور بر تأثیر خصیصه‌ی نژاد قربانی جرم و مجرم در تعیین مجازات دلالت دارد. قوانین متعددی که در این کشور به تصویب رسیده و ناظر به مجازات افرادی است که به طور مستقیم و غیرمستقیم بر مبنای نژاد، مرتکب اعمال مجرمانه شده و یا در دادرسی‌های کیفری بر این مبنا مرتکب تقصیر یا انجام اقداماتی تبعیض‌آمیز می‌شوند، مؤید این واقعیت است.^۱

موضوع دیگر آن‌که، ارتکاب جرم با انگیزه‌ی نژادی نسبت به جرایمی که با این انگیزه رخ نمی‌دهند، دارای آثار تخریبی بیشتری است. همین امر موجب شده قانونگذار انگلستان تدابیری سخت‌گیرانه‌ای برای مقابله با مرتکبان این نوع جرایم اتخاذ نماید. قربانی جرم، در این جرایم، افزون بر صدماتی روانی و فیزیکی که به

1. See: Race Relations Act 1965 and 1976

طور طبیعی متحمل می‌شود، این احساس را دارد که در اثر ارتکاب جرم به هویت فردی و گروهی وی اهانت شده است؛ از آن جا که چنین فردی از قربانی شدن مجدد خود، واهمه داشته، منزل خود را ترک نکرده، انزواء و گوشه‌گیری اختیار کرده و فعالیت‌های روزمره‌ی وی مختل خواهد شد. آثار این نوع جرایم نسبت به قربانیان جوان، مخرب‌تر است؛ زیرا، لطمات بسیاری به اعتماد به نفس و هویت این افراد وارد می‌آید؛ ایشان از این که به گروه یا نژادی تعلق دارند که مورد حمله قرار می‌گیرند، دچار سردرگمی و احساس تزلزل در هویت، ترس و عدم امنیت می‌شوند؛ بنابراین، حجم بالای صدمات وارده به این گونه قربانیان اقتضای آن را دارد که حمایتی ویژه از ایشان صورت گیرد.

بر این اساس، قانونگذار انگلستان برای تحقق سیاست‌های کلی اجرای عدالت برای همگان و افزایش اعتماد عمومی جامعه و از جمله اقلیت‌های نژادی و به خصوص قربانیان جرم و التزام به اجرای تعهدات خود برای حمایت از قربانیان جرم که دارای ویژگی مذکور هستند و هم چنین برای جلوگیری از اعمال دیدگاه‌های نژادپرستانه، در فرآیند عدالت کیفری قوانینی متعددی به تصویب رسانیده است؛ از این جمله است:

قانون جرم و بی‌نظمی مصوب ۱۹۹۸، قانون عدالت جوانان و ادله‌ی کیفری مصوب ۱۹۹۹، قانون ضد تروریسم جرم و امنیت مصوب ۲۰۰۱، قانون نظم عمومی مصوب ۱۹۸۶ و قانون ارتباطات نژادی اصلاحی ۲۰۰۰ میلادی نام برد.^۱ در این قوانین، از چنین جرایمی که با انگیزه‌ی تعلق یا وابستگی قربانی جرم به یک نژاد،^۲

1. Race Relations (Amendment) Act 2000

2. Race

در این قوانین گروه نژادی به گروهی اطلاق می‌شود که با ارجاع و انتساب به یک نژاد، ملیت و یا مبانی قومی و ملی تعریف شده باشند، بنابراین، کولی‌ها، پناهجویان و سایر اقلیت‌هایی که کمتر قابل رویت هستند، در این تعریف گنجانده می‌شود.

(See: -Racist and Religious crime CPS Guidance 2006 cps)

رنگ،^۱ جنس،^۲ ملیت،^۳ سن،^۴ مذهب،^۵ قوم^۶ و داشتن نوعی ناتوانی^۷ یا در یک جهت جنسی^۸ واقع می‌شوند، با عنوان جرم مبتنی بر نفرت یاد می‌شود؛^۹ در این قوانین هرگونه حمله، آزار و اذیت، ایراد صدمه‌ی بدنی خصمانه و شدید یا صدمه‌ی کلی، ایجاد ترس و ارعاب و اضطراب برای قربانیان با انگیزه‌های فوق جرمی خاص تلقی و مرتکب به مجازات‌هایی شدیدتر^{۱۰} از مجازات ارتکاب جرم بدون انگیزه‌ی فوق، محکوم می‌شود.^{۱۱}

برخورد قاطعانه با این‌گونه جرایم، مستلزم تلاش در جهت کارآیی بیشتر قوانین و کسب اعتماد عمومی نسبت به اجرای کارآمد قوانین است؛ افزون بر این، باید در جهت حفظ حقوق قربانیان و خانواده‌ی آن‌ها و نیز تضمین حقوق متهم و به طور کلی تساوی افراد در فرآیند دادرسی تلاش شود؛ ضمن آن‌که، شناخت آثار واقعی این‌گونه جرایم بر اشخاص، گروه‌ها و به طور کلی جامعه امری ضروری است. در این راستا و برای تحقق این اهداف، رهنمودی تدوین و در سال ۲۰۰۶ مورد بازنگری قرار گرفته است؛ این رهنمود^{۱۲} که مصوب شورای تعیین مجازات است،^{۱۳} در واقع راهنمایی

1. Colour
2. Gender
3. Nationality
4. Age
5. Religion
6. Ethnicity
7. Disability
8. Sexual Orientation
9. Hate Crimes
10. Racially aggravated offence Sentencing Guidelines Council, Assault and other offences against the person (SGC) 2008
11. See: Sentencing Guidelines Council, Assault and other offences against the person (SGC), 2008
12. Racist and Religious Crime CPS Guidance, 2006
13. Sentencing Guidelines Council

این شورا به موجب ماده‌ی ۱۶۷ قانون عدالت کیفری مصوب ۲۰۰۳ به منظور ارائه‌ی راهنمایی‌های لازم در فرآیند مجازات در کشور انگلستان ایجاد گردیده است. در واقع، شورای مذکور وظیفه‌ی صدور رهنمودهای تعیین مجازات برای کلیه‌ی دادگاه‌ها را از دوش دادگاه استیناف برداشته و خود اقدام به صدور آن‌ها می‌نماید. بر اساس ماده‌ی ۱۶۹ قانون مذکور «هیأت مشورتی تعیین مجازات» پیشنهادات خود را به جای ارائه به دادگاه استیناف به این شورا ارائه می‌دهد. شیوه‌ی کار به این صورت است که در مواردی که شورا قصد تجدیدنظر در رهنمودها را داشته و یا به دنبال جمع‌آوری و ارزیابی دیدگاه محاکم در خصوص تعیین کیفر است، مراتب را به هیأت مشورتی

برای دادستان‌های کشور انگلستان است، برای رسیدگی به جرایمی که قربانیان آن دارای یک یا چند مورد از ویژگی‌های مذکور می‌باشند. به گونه‌ای که این رهنمود مقرر نموده است که رهنمود تعیین کننده مجازات، باید ارتکاب جرم با لحاظ انگیزه‌های فوق را به عنوان عاملی مشدده، مورد توجه قرار دهد. افزون بر تأکیدات مزبور، شورای یاد شده، در سال ۲۰۰۶ میلادی با اصلاح رهنمود، نقض دستور حمایتی^۱ را به دلایل نژادی و مذهبی از موارد آسیب‌پذیر بودن قربانی^۲ جرم و از عوامل مشدده مجازات تلقی نموده است.

قانون دیگری که در نظام حقوقی انگلستان به منظور حمایت کیفری از جرایم نژادپرستانه پیش‌بینی شده است، قانون جرایم فوتبال^۳ است. به موجب ماده‌ی ۳ این قانون «به کار بردن استعمال شعارها، کلمات و اصوات به نحو گروهی و یا فردی که با انگیزه‌ی رنگ، نژاد، ملیت، و قومیت و به طور کلی نژادپرستانه ادا شود و جنبه‌ی توهین و یا فحاشی داشته باشد، جرم محسوب می‌شود.» همچنین ماده‌ی (۱) قانون قتل عمد (قانون لغو مجازات اعدام)^۴ مصوب ۱۹۶۵ مقرر نموده است که در

اعلام؛ و هیأت مذکور پس از بررسی پیشنهادات خود را به شورا ارائه می‌دهد. مهم‌ترین وظیفه‌ی شورا آن است که به نیاز دادگاه‌ها برای صدور مجازات‌های متناسب پاسخ داده و با صدور رهنمودهای مربوط در جهت هماهنگی بیشتر محاکم از حیث تعیین مجازات‌ها گام بردارد. (ماده‌ی (۵) ۱۷۰ همان قانون) اعضای این شورا متشکل از دوازده نفر کادر قضایی و غیرقضایی می‌باشند. اعضای قضایی آن مشتمل بر قاضی تمام وقت دادگاه جزا، دادگاه بخش، یک قاضی غیر حرفه‌ای دادگاه مجسترت و قضات دادگاه استیناف (هفت عضو) است که پس از مشورت رئیس بخش کیفری دادگاه استیناف که در حال حاضر رئیس دادگاه استیناف انگلستان است، با حکم بالاترین مقام اداری دستگاه قضایی (Lord chancellor) به عضویت این شورا منصوب می‌شوند. اعضای غیرقضایی این شورا که در زمینه‌ی امور پلیسی و تعقیب امر کیفری و منافع قربانیان جرم دارای تجربه هستند، توسط مقام یاد شده و پس از مشورت با وزیر کشور به عضویت این شورا در می‌آیند. ریاست این شورا بر عهده‌ی رئیس دادگاه استیناف است که عضویت شورا را نیز دارد. برای هماهنگی میان اقدامات هیأت مشورتی تعیین مجازات با این شورا یکی از اعضای غیرقضایی شورا رئیس هیأت مشورتی است که با حضور در جلسات شورا می‌تواند میان دیدگاه‌های این دو نهاد ارتباطی منطقی ایجاد کند. تاکنون شورا رهنمودهای متعددی در خصوص جرایم مختلف، صادر نموده است؛ به موجب ماده‌ی (۹) ۱۷۰ و ۱۷۲ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳، تمامی دادگاه‌های انگلستان باید رهنمودهای صادره از سوی شورا را لحاظ و اجرا نمایند. شورای مذکور در سال ۲۰۰۴ میلادی کار خود را آغاز نموده و تاکنون به کار خود ادامه می‌دهد.

-See: Criminal justice Act 2003

1. Breach of a Protective Order 2006
2. Vulnerable Victim
3. Racist Chanting at Football Matches – Section (3) Football Offences Act 1991 .
4. Murder (Abolition of Death Penalty) Act 1965

صورت ارتکاب قتل عمد با انگیزه‌ی نژادی، مرتکب باید به حبس ابد^۱ محکوم شود؛ حداقل مجازات اجباری^۲ چنین جرمی به سی سال حبس، افزایش پیدا می‌کند؛ همچنین به موجب این قانون، در صورت ارتکاب قتل عمد با انگیزه‌ی ایدئولوژیکی و یا مذهبی به طور کلی، محکوم به حبس از امتیاز آزادی پیش از موعد^۳ برخوردار نشده^۴ و باید تمام عمر خود را در زندان سپری^۵ نماید.

در این نوع جرایم دادستان باید نظر بزه‌دیدگان را در خصوص تعقیب و یا عدم تعقیب مجرم و نوع و میزان مجازات وی جویا شده و در تعیین مجازات لحاظ کند. همچنین دادستان مکلف است. میزان تأثیر جرم را در زندگی بزه‌دیدگان بررسی کرده، درخواست‌های حمایت کیفری و یا غیرکیفری آن‌ها را پاسخ داده و آن‌ها را برای مطالبه‌ی خسارت راهنمایی کند.

۲-۲. نظام حقوقی ایران

مذاقه در قوانین موضوعه ایران، حکایت از آن دارد که در این قوانین، به طور مشخص ارتکاب جرم با انگیزه‌ی نژادی، عاملی مشدده برای تعیین میزان مجازات محسوب نمی‌شود؛ به گونه‌ای که، فارغ از مقررات کلی^۶ ناظر بر تشدید مجازات، عنوان مذکور به طور مستقل عاملی برای تشدید مجازات محسوب نمی‌شود؛ مگر در مواردی که قانون‌گذار به صراحت در این خصوص تقریر حکم نموده است؛ این موارد منحصر است به برخی مواد پراکنده در قانون مجازات اسلامی^۷ مصوب ۱۳۷۵ که به صراحت از تأثیر انگیزه در ارتکاب جرم یاد کرده و نیز قانون مجازات تبلیغ نژادی مصوب ۱۳۵۶ که به موجب آن تبلیغ و نشر افکار مبتنی بر تبعیض بر اساس جنس، نژاد و نفرت نژادی و تحریک به آن از طریق تبلیغ عمومی و تشکیل جمعیت و اداره‌ی

1. Life Imprisonment

2. Minimum Term

3. Early Release/The offender's Release on Licence

۴. در قوانین کیفری انگلستان صدور مجازات حبس ابد به آن معنا نخواهد بود که محکوم‌علیه تمام عمر خود را در زندان سپری نماید، بلکه جز در مواردی، پس از سپری نمودن مدتی مانند بیست و پنج سال یا سی سال که حسب نوع جرایم متفاوت است، آزادی زندانی با شرایط بررسی می‌شود.

See: (Sprack, 2004, pp.432-433)

5. Sentence of mandatory Life imprisonment or custody

۶. مواد ۴۶ و ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰.

۷. همانند تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱۸۳ و ماده‌ی ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵.

آن و دادن کمک‌های مالی به آن جرم محسوب شده است. با این وجود در این قانون، تشدید مجازات در نتیجه‌ی ارتکاب جرم به انگیزه‌ی نژادی، لحاظ نشده است؛ در حالی که بند ۳ ماده‌ی ۲۲ قانون مجازات اسلامی چنین انگیزه‌ای، را عاملی مخففه در مجازات مرتکب دانسته است.

شاید بتوان گفت عدم پیش‌بینی انگیزه‌های نژادی به عنوان عاملی مستقل برای تخفیف و یا تشدید مجازات در نظام حقوقی ایران از آن جهت است که میزان مهاجرت دیگر اقوام و نژادها از کشورهای دیگر به ایران چندان گسترده نیست؛ به عبارت دیگر، می‌توان سبب را در عدم تنوع نژادی ساکنان کشور و نیز این واقعیت دانست که کمتر جرمی را می‌توان یافت که به جهت‌های نژادی و تعلق به یک گروه قومی یا زبانی رخ داده باشد.

۳. مذهب و تأثیر آن در تخفیف و تشدید مجازات

پیش از بیان تأثیر مذهب در تخفیف و یا تشدید مجازات، توجه به این موضوع ضروری است که در متون دینی مسلمانان^۱ از دین (نه مذهب) نام برده شده است؛ به نظر می‌رسد آنچه به عنوان دستورات الهی از آن یاد می‌شود، نام دین بر آن نهاده شده است؛ مذهب گاهی به شاخه‌ای از دین همانند مذهب شیعه و سنی در اسلام و یا مذهب کاتولیک و پروتستان در دین مسیحیت اطلاق و زمانی به شیوه‌ی عبادت واحد گروهی که ممکن است منشأ وحیانی نداشته باشد، گفته می‌شود. ر.ک: (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۳، ص ۹۵).

برخی از مقررات کیفری قانون مجازات اسلامی صحت این موضوع را تأیید می‌نمایند. به عنوان نمونه، می‌توان از مقررات ماده‌ی ۸۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نام برد که بیان می‌دارد در صورتی که (مرد) غیرمسلمان با زن مسلمان مرتکب زنا شود، هر چند غیرمحصن باشد، مجازات او قتل خواهد بود. این در حالی است که در فرض مسلمان و غیرمحصن بودن زانی مجازات وی تنها یکصد ضربه شلاق است؛ هم‌چنین تبصره‌ی ماده‌ی ۱۲۱ همین قانون مقرر می‌کند که در فرضی که غیرمسلمان به عنوان فاعل، اقدام به عمل تفخیز با مسلمان نماید و مسلمان

۱. مانند آیات شریفه‌ی ۱۳۵ و ۱۳۶ سوره‌ی بقره‌ی و آیه ۱۹ سوره‌ی آل عمران.

مفعول واقع گردد، مجازات غیرمسلمان قتل خواهد بود؛ مجازات این جرم، در فرض مسلمان بودن فاعل، تنها یکصد تازیانه می‌باشد. بنابراین، می‌توان به این نتیجه قائل شد که در مقررات کیفری ایران^۱ نوع مذهب به معنای اعتقاد به دینی غیر از اسلام که دارای مذاهب متعدد است، در تعیین کیفر نقشی اساسی ایفاء می‌نماید (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۲، صص ۶۲-۳۹؛ محقق داماد، ۶-۱۳۸۵).

بر خلاف موارد مذکور، در برخی جرایم قانون‌گذار ایران میان مسلمان و غیرمسلمان از نظر میزان کیفر تفاوتی قائل نشده است. به عنوان نمونه، می‌توان بر این عقیده بود که با توجه با اطلاق تبصره‌ی ماده‌ی ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی، در فرض تحقق بزه مساحقه، میان مسلمان و غیرمسلمان تفاوتی از نظر میزان مجازات وجود ندارد.

با این وجود باید توجه داشت که در سال‌های اخیر در قوانین کیفری ایران، در مورد تساوی مجازات‌ها، گام‌هایی برداشته شده است؛ از این جمله است تصویب قانون الحاق یک تبصره به ماده‌ی ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در سال ۱۳۸۲ که به موجب آن دیه‌ی اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی، معادل دیه‌ی مسلمانان تعیین شده است. به نظر می‌رسد که با توجه به اینکه عنوان غیرمسلمان بر در مورد معتقدان به سایر مذاهب از قبیل سیک‌ها و هندوها یا کسانی که فاقد مذهبی می‌باشند، اطلاق می‌گردد و این‌که این افراد از شمول اقلیت‌های شناخته شده در قانون اساسی ایران خارج می‌باشند، دیه آنان با مسلمانان یکسان نبوده و در صورت ایراد هرگونه صدمه‌ی بدنی از سوی یک فرد مسلمان نسبت به آن‌ها، نه تنها مرتکب مسلمان قصاص نخواهد شد، بلکه دیه‌ای معادل دیه‌ی مسلمان به بزه‌دیده پرداخت نشده و در مواردی حتی دیه‌ای به وی تعلق نخواهد گرفت. مانند فرض گرویدن مسلمانان به دین یهودیت؛ در این فرض و در صورت صدق عنوان ارتداد، بر قتل و یا هرگونه صدمه‌ی بدنی بر چنین فردی، مجازاتی بار نخواهد شد. باید توجه داشت که این حکم تنها به فرض مذکور اختصاص ندارد؛ به گونه‌ای که، بر تمام موارد خروج از دین اسلام و گرویدن به دین یا مذهب دیگر، چنین حکمی مترتب می‌شود.^۲

با مذاقه در قوانین موضوعه‌ی ایران، نتیجه می‌شود که تفاوت در تعیین

۱. مستنبط از ماده ۲۰۹ قانون مجازات اسلامی

۲. در مقررات در تبصره‌ی ماده‌ی ۲۲-۲۲۱ لایحه‌ی قانون مجازات اسلامی، نیز چنین احکامی آمده است.

مجازات با لحاظ ویژگی اعتقادی و مذهبی قربانی جرم، صرفاً به جرم ایراد صدمه‌ی بدنی بر قربانی جرم محدود بوده و به سایر جرایم علیه غیرمسلمان تسری ندارد.^۱ بنابراین، در دیگر جرایم مانند جرایم علیه اموال یا جرایم علیه حیثیت و یا آبروی اشخاص، مذهب قربانی جرم در تعیین مجازات تأثیری نخواهد داشت. با این وجود، این خدشه بر رویه‌ی قانون‌گذار ایران مترتب است که مقنن در این خصوص شیوه‌ی دوگانه و متعارضی اتخاذ نموده است. این‌که قانونگذار در جرایم کم‌اهمیت‌تر مانند سرقت اموال، در تعیین مجازات، میان افراد بر اساس مذهب آنان، تفاوتی قائل شده، اما در جرم سلب حیات فرد، گاهی مرتکب را معاف از مجازات دانسته و یا آن‌که، مجازات ناچیزی برای مجرم مقرر نموده است، با اصول مقرر در قانون اساسی قابل توجیه نمی‌باشد؛ مگر آن‌که، چنین احکامی را منبعث از منبعی بدانیم که تغییر در آن‌ها مجاز نمی‌باشد؛ این در حالی است که با توجه به عملکرد قانونگذار در سال‌های اخیر^۲ و رجوع به منابع فقهی، می‌توان از این تعارض‌رهایی یافته و به تساوی مجازات، بدون توجه به مذهب مجرم یا قربانی جرم، قائل شد. (محقق داماد، پیشین).

به مانند مورد پیشین، تأثیر مذهب را در قوانین کیفری و رویه‌ی محاکم نظام

حقوقی انگلستان و آن‌گاه ایران بررسی می‌نماییم.

۱-۳. نظام حقوقی انگلستان

در قوانین اساسی بسیاری از کشورها از جمله ایران^۳ اصل تساوی افراد در برابر قانون و عدم تبعیض، مورد پذیرش قانونگذار قرار گرفته است. به این معنی که هیچ فردی نباید به لحاظ تعلق نژاد، رنگ، جنس، مذهب، طبقه‌ی اجتماعی خاص، منابع مالی و شرایط خانوادگی یا اشتغال مورد اذیت و آزار و برخورد غیرعادلانه قرار گیرد.

به رغم آن‌که در نظام حقوقی انگلستان به دلیل فقدان قانون اساسی مکتوب

۱. در سایر مجازات‌ها مانند مجازات‌های تعزیری و یا بازدارنده که بیش از نود درصد مجازات‌های قانونی ایران را تشکیل می‌دهد، در تعیین مجازات میان مسلمان و غیرمسلمان، تفاوتی دیده نمی‌شود؛ به گونه‌ای که، قانونگذار برای همه اعم از مسلمان و غیرمسلمان مجازاتی یکسان مقرر نموده است.

۲. مانند قانون الحاق یک تبصره به ماده‌ی ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ مصوب ۱۳۸۲، که به موجب آن دیه‌ی اقلیت‌های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مساوی دیه‌ی مسلمانان شد.

۳. ر.ک: اصول نوزدهم و بیستم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

بیان صریحی از اصل عدم تبعیض وجود ندارد، در قوانین مهم^۱ این کشور، اصل مذکور مورد پذیرش قرار گرفته است. با این وجود، مراجعه به قوانین کیفری و سیاست‌های کیفری دو کشور به تصریح و یا تلویح نشان از عدم وفاداری و پای‌بندی به اصل مذکور دارد و گاه موارد نقص این اصل مشاهده می‌شود؛ به گونه‌ای که، در مرحله‌ی تعیین مجازات، مذهب مجرم یا قربانی جرم، ویژگی اساسی و مهمی برای تشدید یا تخفیف مجازات تلقی شده است.

به رغم آن که قانونگذار انگلستان به صراحت قانونگذار ایران، اعتقادات مذهبی قربانی جرم را مؤثر در مجازات ندانسته است، تحقیقات نشان می‌دهد که وابستگی به اقلیت‌های مذهبی^۲ از علل مهم قربانی شدن این افراد است؛ هم‌چنان که این امر برای چنین افرادی منشأ تعیین مجازات‌های شدیدتری نسبت به مجرمان دارای اعتقادات مذهبی مسیحی و گاه یهودی است. در کشور انگلستان بر اساس اعلام منابع رسمی و برخی اسناد موجود، آسیب‌پذیری و رفتار غیرعادلانه و مبتنی بر تبعیض بر اساس مذهب^۳ برای افرادی که به عنوان قربانی جرم یا مجرم با نظام عدالت کیفری درگیر می‌شوند، امری مسلم است (Easton and piper, Op.cit, pp. 235-40). بر اساس گزارش تبعیض مذهبی در انگلستان و ولز در سال ۲۰۰۱ میلادی^۴ که توسط وزارت کشور تهیه شده است، خدمات پلیس برای مسیحیان، یهودیان، بودایی‌ها و بهایی‌های قربانی جرم، نسبت به سایر افرادی که مذهبی غیر از آن دارند، منصفانه‌تر بوده است؛ هم‌چنین بیشترین برخورد غیرمنصفانه با مسلمانان، سیک‌ها و هندوها صورت گرفته است؛ در این میان، حتی این نوع برخورد غیرمنصفانه، با مسلمانان نسبت به سایر مذاهب یاد شده از سطح بالاتری برخوردار بوده است. در این تحقیق آمده است که

۱. با توجه به ماده‌ی ۹۵ قانون عدالت کیفری مصوب ۱۹۹۱ می‌توان بیان کرد، این کشورها با معیار قرار دادن «مجازات‌های استحقاقی» که بر رعایت تناسب میان جرم و مجازات تکیه دارد، معیار تعیین مجازات را شدت جرم ارتكابی قرار داده است. ر.ک: قانون حقوق بشر مصوب ۱۹۹۸ انگلستان.

۲. در ماده‌ی ۲۸ قانون جرم و بی‌نظمی مصوب ۱۹۹۸، جرم مشدده مبتنی بر مذهب و نژاد جرمی تلقی شده است که مجرم در حین ارتكاب جرم و یا بلافاصله بعد و یا قبل از آن با خصومت و بر اساس اینکه قربانی عضو یک گروه مذهبی یا نژادی بوده و یا تصور می‌نموده عضو چنین گروهی است، مرتکب جرم شده باشد.

۳. «گروه مذهبی به گروهی گفته می‌شود که با استناد به اعتقاد مذهبی و یا عدم اعتقاد مذهبی تعریف می‌شود و مشتمل است بر مسلمانان، هندی‌ها، مسیحیان و فرقه‌های مختلف یک مذهب و افراد بدون مذهب.»

See: Racist and Religious Crime CPS Guidance, 2006-

4. Religious Discrimination in England and Wales Home Office Research, Development and Statistics Directorate, February 2001

سازمان‌هایی که در خصوص برخورد پلیس با گروه‌های مذهبی تحقیق از آن‌ها یاد شده، اعلام نموده‌اند که: «پلیس انگلستان ذاتاً نژادپرست بوده این نژادپرستی در آن نهادینه شده است؛ به گونه‌ای که تحقیقات لازم برای قربانیان جرم را با تأخیر انجام می‌دهد، به نسبت قربانیان دیگر مذاهب، حمایت‌های مؤثر در تعیین مجازات مؤثر، را برای آنان فراهم نمی‌کند، بیشترین ایست و بازرسی را در خصوص آنان داشته و نسبت به چنین قربانیان و مجرمانی پیشداوری و بی‌احترامی می‌نماید. به نحوی که، حسب گزارش وزارت کشور در سال ۲۰۰۴ میلادی احتمال ایست و بازرسی و مجازات اقلیت‌های نژادی و مذهبی، شش و نیم برابر بیشتر از سفیدپوستان بوده است» (walklate, 2007 ; p.147).

عدم وجود نهادهایی برای قربانیان اقلیت‌های مذهبی مانند مسلمانان که بتوانند مانند سایر شهروندان مسیحی و یهودی انگلیسی از اقدامات حمایتی روانی، عاطفی و عملی بهره‌مند شوند از یک سوی، و وجود فضای غیراسلامی و غیرمنطبق با عقاید مذهبی اقلیت‌ها از سویی دیگر، موجب امتناع قربانیان جرم و به ویژه زنان از مراجعه به مراکز موجود و محرومیت ایشان از حمایت‌های این مراکز شده است؛ بی‌تردید عدم این نوع حمایت‌های در مرحله‌ی تعیین (کاهش) مجازات، نقشی اساسی ایفاء می‌نماید (مهرا، ۱۳۸۶، ص ۶۸).

هر چند برخی گروه‌های مذهبی مانند مسلمانان و هندوها بر این اعتقادند که در دادرسی و تعیین مجازات نسبت به مرحله‌ی تحقیقات پلیسی رویکرد غیرمنصفانه کمتر است، اما از برخورد عادلانه و منصفانه‌ی محاکم نیز رضایت کامل ندارند؛ به گونه‌ای که، بررسی‌های صورت گرفته حکایت از آن دارد که دادگاه‌ها با این افراد برخوردی کلیشه‌ای داشته و در مورد آنان به عنوان قربانی جرم و یا متهم پیشداوری می‌نمایند؛ هم‌چنین برای احراز اتهام چنین افرادی، تلاشی مضاعف داشته و نیز به قربانیان جرم به مانند هم‌تایان مسیحی و یهودی‌شان مشاوره نمی‌دهند (Ibid; p.150). آنان از سوی مجریان عدالت کیفری در مرحله‌ی تقنین،^۱ تعقیب و نیز در مرحله‌ی تعیین مجازات و اجرا، به علت وابستگی به اعتقادات و عقاید خود مجازات‌های

۱. قانون ضد تروریسم جرم و امنیت ۲۰۰۱ کشور انگلستان، مجازات‌های شدیدی برای مجرمان خارجی از جمله اقلیت‌های مذهبی که به عنوان تروریست دستگیر و محکوم می‌شوند، مقرر نموده است؛ به گونه‌ای که، این اختیار داده شده است که این افراد برای مدت‌های نامحدودی بدون اعلام اتهام به آنها در حبس بمانند.

مضاعفی را متحمل می‌شوند؛ یکی از نویسندگان در همین خصوص معتقد است که «اعمال خشونت‌آمیز علیه اقلیت‌های قومی و مذهبی یکی از خصوصیات جامعه‌ی امروزی اروپا و انگلستان محسوب می‌شود.» (مهر، همان، ص ۶۸) تهدید، توهین، فحاشی و مزاحمت برای اقلیت‌های مذهبی و نژادی به عنوان بخشی از زندگی روزمره‌ی جامعه‌ی انگلستان در آمده است؛ حوادث ثبت شده در این کشور در مراکز پلیس، صحت این امر را تأیید می‌نماید (Walklate, op.cit , p. 144).

در مرحله‌ی اجرای حکم به ویژه در زندان، نیز هرچند تمام محبوسین کم و بیش از اقدامات و ارائه‌ی خدمات مأموران زندان‌های انگلستان ناراضی‌اند، اما این ناراضی‌تبی برای اقلیت‌های مذهبی و قومی از فراوانی بیشتری برخوردار است؛ چه آن‌که، شرایط تحمل زندان برای این افراد، دشوارتر از مسیحیان و یهودیان زندانی در این کشور بیان شده است.^۱

شاید به همین دلیل است که قانونگذار انگلستان قوانین متعددی در این خصوص مقرر نموده است. برخی مقررات کیفری را برای حمایت از قربانیان جرایم ارتكابی با انگیزه‌های نژادی پیش‌بینی نموده است؛ به گونه‌ای که، از آخرین قوانین حمایتی در مورد جرایم ارتكابی با انگیزه‌ی مذهبی می‌توان از مقررات بخش سوم قانون نظم عمومی مصوب ۱۹۸۶،^۲ قانون جرم و بی‌نظمی مصوب ۱۹۹۸ و قانون عدالت کیفری مصوب ۲۰۰۳^۳ نام برد که دادگاه‌ها را مکلف نموده است در این گونه جرایم مجازات‌های مشدده‌ای صادر نمایند. با این حال قانونگذار، بر خلاف قانون نظم عمومی مصوب ۱۹۸۶، در قانون تنفر نژادی و مذهبی سال ۲۰۰۶،^۴ تحت تأثیر دفاع از آزادی بیان در جرایمی که مبتنی بر نژادند و جرایمی که با انگیزه‌ی مذهبی ارتکاب می‌یابد، قائل به تفاوت شده است، به گونه‌ای که، به موجب قانون

۱. در این خصوص از سی و هشت سازمان در مورد وضعیت زندانیان مسلمان در زندان‌های کشور انگلستان تحقیق شده است؛ در این میان، سی و چهار سازمان اعلام داشته‌اند که بر خورد غیرمنصفانه با آنان نسبت به مسیحیان از

سطح بسیار بالایی برخوردار است. بودایی‌ها و سیک‌ها در رتبه‌های بعدی هستند. Ibid

۲. مواد ۱۸ تا ۲۳ این قانون جرم توهین و فحاشی مبتنی بر انگیزه‌ی نژادی و مذهبی را جرمی مشدده تلقی نموده است. باید توجه داشت که مقررات مواد مذکور تنها برای حمایت از این نوع قربانیان تدوین نشده است، بلکه حفظ نظم عمومی از اهداف اصلی آن محسوب می‌گردد.

۳. ماده‌ی ۱۴۵ قانون مذکور دادگاه را ملزم نموده است که در تعیین مجازات برای این گونه جرایم مجازات‌های مشدده را مورد توجه قرار دهد.

توهین، فحاشی، انتقاد، تمسخر، مخالفت و به طور کلی استعمال هر کلمه و لفظی بدون تهدید عملی با انگیزه‌ی مذهبی فاقد مجازات می‌باشد، این در حالی است که این گونه اعمال با انگیزه‌ی نژادی جرم تلقی و قابل مجازات دانسته شده است؛^۱ به نظر می‌رسد برای این تفکیک توجیه قانع‌کننده‌ای وجود نداشته باشد؛ چرا که اولاً، انگیزه مذهبی، می‌تواند یکی از وجوه و مشخصات انگیزه‌ی نژادی محسوب شود؛ ثانیاً، همواره در رویه‌ی قانونگذاری این کشور، به هنگام پیش‌بینی چنین حمایت‌هایی از قربانیان، این دو عنوان همراه و در کنار هم بوده و در واقع تفکیک‌ناپذیر بوده‌اند. برای چنین تفکیکی در قانون مذکور، نمی‌توان، توجیهی مستدل یافت؛ مگر برخی موضوعات سیاسی و حساسیت‌های ایجاد شده بعد از حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، و سخت‌گیری‌هایی که در خصوص بعضی از شاخه‌های افراطی مذهبی به ویژه مسلمانان اعمال شد. (مهرا، همان، ص ۶۶).

به رغم آنچه در خصوص توجه به مذهب قربانی جرم، به عنوان عاملی اساسی در کاهش و گاه عدم تعیین مجازات مرتکب جرم گفته شد، شاید این گفته که خصیصه‌ی مذکور بتواند عاملی مشدده در تعیین مجازات محسوب شود، چندان قابل پذیرش نباشد. هر چند می‌توان با مذاقه در قوانین موضوعه انگلستان به این نتیجه قائل شد که ارتکاب جرم به جهت مذهب قربانی جرم، عاملی بنیادین برای تشدید مجازات محسوب می‌شود؛ هم‌چنان که در نظام حقوقی ایران نیز ارتکاب جرم از سوی غیرمسلمان نسبت به مسلمان و به صرف این که قربانی دارای دین اسلام است؛ از عوامل مشدده مجازات محسوب می‌شود؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت که مذهب و نژاد قربانی جرم، در تعیین کیفر نقشی دوگانه ایفا می‌نماید.

۲-۳. نظام حقوقی ایران

در اسلام صرف اعتقاد به یک دین یا مذهبی غیر از اسلام قابل کیفر نمی‌باشد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳، صص ۹۱-۸۷)، با این وجود در فقه سیاسی اسلام، حاکمیت غیرمسلمان بر مسلمانان واجد حرمت ذاتی دانسته شده و ادله‌ی متعددی در این خصوص بیان شده است؛^۲ اما موارد عدم تساوی حقوق آنان با مسلمانان،

1. Racial and Religious hatred Act 2006 (section 29)

۲. مستنبت از ماده‌ی ۲۰۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، از جمله ادله‌ی استنادی آیه‌ی «و لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً» نساء / ۱۴۱ و آیه‌ی «لایستوی اصحاب النار و اصحاب الجنة» حشر / ۲۰ قرآن

آن گونه که گفته شد، مطلق نمی‌باشد.

در مقررات کیفری ایران مخصوصاً مقررات حاکم که منبعت از موازین فقهی می‌باشند، در برخی از مجازات‌ها دین (مذهب) قربانی جرم یا مجرم نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین مجازات دارد. به این معنی که در صورتی که غیرمسلمان قربانی جرم باشد و مرتکب آن مسلمان باشد، در مقایسه با موردی که بزه‌دیده، مسلمان باشد، مرتکب مسلمان به مجازاتی خفیف‌تر محکوم خواهد شد. در مقابل در برخی جرایم نیز هر گاه غیرمسلمانی، مرتکب جرمی علیه مسلمان شود، نسبت به فرضی که فردی مسلمان همان بزه را علیه مسلمان دیگر انجام می‌دهد، مجازات وی شدیدتر خواهد بود.



کریم است و نیز روایتی از حضرت رسول اکرم (ص) که فرمودند: «لا یقتل مومن بکافر و لا ذو عهد فی عهده» همچنین در فقه امامیه و عامه روایات متعددی وارد گردیده که حکایت از این امر دارد، هرچند در این میان مخالفینی نیز وجود دارد. برای آگاهی بیشتر در این خصوص ر.ک: (الزحلی، ۱۴۰۹؛ خوبی، ۱۳۶۹، ج ۲).

۴. برآمد

در قوانین کیفری بسیاری از کشورها از جمله ایران و انگلستان، خصوصیات قربانی جرم به ویژه مذهب و نژاد وی از عوامل اساسی و مهم برای تعیین کیفر است. به گونه‌ای که با وجود تصریح و تأکید قوانین اساسی این کشورها بر تساوی افراد در برابر قانون، به دور از ویژگی‌هایی چون نژاد و مذهب، قوانین عادی ایران و رویه‌ی دادگاه‌ها و مجریان عدالت کیفری در انگلستان، بر اعمال نابرابری افراد در کیفر مبتنی بر نژاد و مذهب، مستقر شده است. به نحوی که، این خصایص گاهی موجب کاهش مجازات و حتی عدم مجازات مرتکب جرم می‌شود و زمانی رویکردی دیگر گونه دارد؛ بدین معنی که در برخی موارد تفاوت نژاد و مذهب مرتکب جرم و قربانی آن، از موجبات تشدید مجازات مرتکب جرم محسوب می‌شود. با وجود آن که، قانونگذار انگلستان تلاش نموده است با تصویب قوانینی در مقام مبارزه با این نابرابری برآید، رویه‌ی محاکم و نیز عقاید و خوی برتری‌جویی حاکم بر مجریان عدالت کیفری این کشور، نادیده گرفتن خصایص مذکور در تعیین کیفر را برنمی‌تابد.

در نظام حقوقی ایران به جهت الهام مقررات کیفری از احکام الهی نابرابری افراد در کیفر مبتنی بر مذهب، باید در سایه‌ی وحیانی بودن این احکام تعبیر شود؛ با این وجود، قانونگذار ایران مدت‌ها است که لایتغیر بودن برخی از این احکام را امری حتمی قلمداد ننموده است. یکسان نمودن دپه‌ی اقلیت‌های غیرمسلمان با دپه‌ی مسلمانان و تکلیف شرکت‌های بیمه‌گر به پرداخت یکسان دپه‌ی زن و مرد در تصادفات، صرف نظر از جنس و مذهب^۱ قربانی جرم، حکایت از آن دارد که قانونگذار درصدد است با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی و به ویژه ملاحظات مذهبی، با شبیهی ملایم^۲، نسبت به تعدیل و رفع این خصوصیات که یگانه عامل تخفیف و تشدید کیفر می‌باشند، گام بردارد.

۱. تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۴ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری دارندگان وسایل نقلیه موتورزی زمینی در قبال اشخاص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۵/۲۱ مقرر می‌دارد: «بیمه‌گر موظف است در ایفاء تعهدات مندرج در این قانون خسارت وارده به زیان‌دیدگان را بدون لحاظ جنسیت و مذهب تا سقف تعهدات بیمه‌نامه پرداخت نماید. مبلغ مازاد بر دپه تعیین‌شده از سوی محاکم قضائی، به‌عنوان بیمه حوادث محسوب می‌گردد.»

۲. به رغم وجود مجازات‌هایی که از نظر مقررات کیفری اسلام به عنوان «حد» از آن‌ها یاد می‌شود، برخی از فقها بر این باورند که حدودی که مستند به نص صریح قرآنی نمی‌باشند، عین آن‌ها موضوعیت نداشته و قابلیت تبدیل به مجازاتی دیگر را دارا می‌باشند. شاید تدوین‌کنندگان لایحه‌ی قانون مجازات اسلامی با همین تصور، در تبصره‌ی ۴ ماده‌ی ۵-۲۲۱ لایحه‌ی مذکور در خصوص مجازات «رجم» که قریب به اتفاق فقهای شیعه آن را لاتفسیر می‌دانند، چنین آورده است: «هرگاه اجرای حد رجم مفسده داشته و باعث وهن نظام شود، با پیشنهاد دادستان مجری حکم و تأیید رییس قوه قضاییه در صورتی که موجب حد با بینه شرعی اثبات شده باشد، رجم تبدیل به قتل می‌شود و در غیر این صورت تبدیل به صد ضربه شلاق می‌گردد.»

فهرست منابع

الف - فارسی

۱- قرآن کریم

۲- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد نخست، نشر میزان، چاپ اول، تهران، سال ۱۳۷۹.

۳- حاجی ده‌آبادی، احمد، «تأملی پیرامون قصاص مسلمان در مقابل کافر»، نامه‌ی مفید، شماره‌ی ۴، بهمن و زمستان ۱۳۸۲.

۴- محقق داماد، مصطفی، جزوه‌ی درسی فقه استدلالی ۱، دوره‌ی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده‌ی حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۵.

۵- مهرا، نسرين، «مسلمانان در سیستم عدالت انگلستان»، فصلنامه‌ی پیشگیری از جرم، نشریه‌ی پلیس نیروی انتظامی، شماره‌ی چهارم، سال دوم، پاییز ۱۳۸۶.

۶- میرمحمدصادقی، حسین، دادگاه کیفری بین‌المللی، نشر دادگستر، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۷- موسوی بجنوردی، حسن، زن و حقوق کیفری، (مجموعه مقالات، نتایج کارگروه‌ها و اسناد نخستین همایش بین‌المللی زن و حقوق کیفری، گذشته، حال، آینده - تهران، آذر ۱۳۸۳)

ب- عربی

۸- خوبی، سیدابوالقاسم، مبانی تکمله المنهاج، جلد دوم، مطبعه العلمیه، چاپ دوم، قم، ۱۳۶۹.

۹- الزحیلی، وهبه، الفقه الاسلامیه و ادلته، نشر دارالفکر دمشق، الطبعة الثالثة، سوریه، ۱۴۰۹ هـ

ج - انگلیسی

14- Ashworth, Andrew, **Sentencing and Criminal Justice**, Printed in Great Britain by Butler and Tanner Ltd , Frome and London, 1992

15 -Bowling, B- **Violent racism, Vicrimization, policing and social context**, Oxford OUP- 1998

- 16-K, Murkakami, Taron . **Hate crimes**, The Georgetown Journal of Gender and Law. Vol. 63. 2004
- 17-Macpherson.W.**The Stephen Lawrence inquiry**, report of an inquiry by sir William macpherson of Cluny, advised by Tom Cook, the right revd, Dr gohn Sentamu and Dr Richard Ston, Cm 4262-1, London, Home Office
- 18-Phillips, C. and Brown, D. **Entry into the criminal justice system:A survey of police arrests and their outcomes**, home office research study 185. London, Home Office and Home office 2002c
- 19- Sandra, walklate, **Imaging the victim of crime**, New Yourk, open university press, 2007
- 20-Susan Easton and Christine piper, **sentencing and punishment**, oxford University, 2005
- 21- Sprack, John, **A Practical Approach to Criminal Procedure**, Oxford university press,tenth edition,2004
- 22-**Religious discrimination** in England and Wales Home Office Research, Development and Statistics Directorate, February 2001
http://en.wikipedia.org/wiki/Murder_of_Stephen_Lawrence23-
- 24-<http://yasekabud110.blogfa.com/8804.aspx>
- 25 -Racial and Religious hatred Act 2006
- 26-Race Relations Act 1965 and 1976
- 27 -Race Relations (Amendment) Act 2000
- 28-Sentencing Guidelines Council, Assault and other offences against the person (SGC) 2008
- 29-Racist and Religious crime cps Guidance 2006
- 30-Breach of a protective order 2006
- 31-Football Offences Act 1991 (as amended)
- 32-Murder (Abolition of Death Penalty) Act 1965